

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدين يوم وبر زنده يك تن مبار
چو کشور نباشد تن من مبار
از آن به که کشور به دشمن دهيم
همه سر به سرتون به کشتن دهيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبي - فرهنگي

ملک الشعرا
استاد محمد نسیم «اسیر»
تنظیم و ویرایش: AA-AA

شبِ شراب

تپش نگاه گرمت به شب شراب ماند
لب داغ و آتشینت، به گل گلاب ماند
چه سیهدلی که کس رانه قرار و تاب ماند
تو اگر سخن بگوئی، همه لاجواب ماند
نه به مصلحت نشیند، نه به احتساب ماند
به فلك نامه ماهتابی و نه آفتاب ماند
به هزار ناز و تمکین به کفش خضاب ماند
به من ارشود مقابل به رخش نقاب ماند
نه به انتصاب ماند، نه به انتخاب ماند
چه بلاست سور عشقت که به انقلاب ماند
به دل از تو آنچه ماند ستم و عتاب ماند
ز فراق او حذر کن که به آسیاب ماند

به جهان و رنگهايش دل «اسیر» از چه بندی
که ز بس تهی ست مغزش، به گل حباب ماند

کشش خمار چشمت به شراب ناب ماند
تب چشم دلنشیست چو تف سراب خیزد
خَم زلف تابدارت، ز دلم قرار جوید
لب تو خموش و گرمست و جهان بشور و غوغای
سرِ مژه بلندت ز هجوم فتنه جوئی
به فروع ماه رویت، تو اگر به جلوه آئی
اگر ش کسی بگوید که سراغ خستگان گیر
به رقیب اگر نشیند، ز جبین گره گشاید
به تو گر شوم مقابل، روم از خود، و جنونم
ز هجوم عشق و مستی دل خسته منقلب شد
به چنین فرشته روئی چه شریر و تندخوئی
به وصال نیم بندش همه تن بساز ای دل

(بن – المان، فبروری ۱۹۹۸ ع)